

مقاله پژوهشی

## چارتاکی، تداوم تقدس کوه در آیین‌ها، معماری و منظر ایران\*

بابک داریوش\*\*

عضو هیئت علمی گروه معماری، مؤسسه پژوهشی شیخ بهایی، تهران، ایران.

آن اسگارد

دانشیار معماری منظر، دانشگاه زنو، سوئیس.

سیدامیر منصوری

استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۱

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۹۹/۱۰/۰۱

**چکیده** | چارتاکی حجم اصلی، پایه و با فراوانی زیاد در معماری ایران است. از کارکردهای قدیمی این عنصر می‌توان به ساخت نیایشگاه مهر، آناهیتا و سپس آتشکده اشاره کرد که پس از ورود اسلام نیز، به عنوان شاکله اصلی مسجد و امامزاده مورد استفاده قرار گرفته است. بسیاری از صاحب‌نظران، چارتاکی را نه صرفاً عنصری عملکردی، بلکه دارای جنبه‌های اسطوره‌ای و مقدس معرفی می‌کنند. از سویی در میان اساطیر ایرانی، کوه عنصری چندوجهی، کارکردی و مقدس بوده است. به همین خاطر، بسیاری از آیین‌های باستانی در ارتباط مستقیم با کوه‌ها برپا می‌شده و غارهای داخل کوه نیز مانند سایر تمدن‌ها، از اولین معابد در ایران محسوب می‌شوند و مشاهده می‌شود ایرانیان معابد خود را با توجه به تقدس کوه و غار بنا کرده‌اند. گاهی معابد را در دامنه یا بالای کوه و گاهی همچون ایلامی‌ها، آنها را به شکل زیگورات و با الهام مستقیم از کوه می‌سازند. بدین ترتیب، معماری ساخته بشر، گاه تقدس خود را از کوه می‌گیرد. لذا در ارتباط با چارتاکی این سؤالات مطرح است که ریشه تقدس آن چیست و چه ارتباطی میان جنبه‌های اسطوره‌ای و تقدس آن مانند زیگورات با کوه وجود دارد؟ پژوهش حاضر با روش کیفی مطالعه اسنادی و با رویکردی اکتشافی به بررسی آیین‌های مشترک طواف و قربانی میان سه عنصر کوه، زیگورات (به عنوان عنصر واسطه) و چارتاکی و همچنین رابطه هر یک از این عناصر با مهر یا خورشید پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با ازمیان رفتن زیگورات‌ها در ایران، رابطه میان کوه و معماری معابد ایران از بین نرفته است. می‌توان گفت این رابطه اسطوره‌ای کماکان میان چارتاکی و کوه برقرار بوده و به تعبیری چارتاکی تداوم تقدس کوه در معماری ایران است.

**واژگان کلیدی** | آیین‌های باستانی ایران، مهر، کوه، زیگورات، چارتاکی.

**مقدمه** | چارتاکی پرتکرارترین عنصر فضا سازی ایرانی و تا مدت‌ها رکن اصلی فضا سازی در معماری ایران زمین بوده است. براساس تعاریف، چارتاکی چهار پایه و ستون است در چهار کنج زمینه و قاعده مربعی که هر دو ستون، از بالا، با تاق و هلالی به یکدیگر متصل شده باشند و بر روی این ستون‌ها و تاق‌ها،

قُبه و گنبدی نهاده شده باشد (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل مدخل «چارتاکی») این عنصر، ابتدا نیایشگاه مهر و آناهیتا بوده و در دوره ساسانی، شاخص‌ترین سبک معماری و آتشکده زرتشت خوانده شده و با ورود اسلام به ایران، باز هم به عنوان شاکله اصلی مساجد و امامزاده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۱؛ منصوری و جوادی، ۱۳۹۸). چارتاکی به عنوان یک شکل تکرار شونده و اصیل، در طول تاریخ

\*\* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۵۱۴۳۷۹۷، babak.dariush@yahoo.com

هموار و دست‌نخورده بوده و هیچ حرکتی در میان زمین و ماه و ستارگان وجود نداشته است؛ اما به دنبال تازش نخست اهریمن، زمین ناگهان دگرگون شده و در آن پویایی پدید آمده و کوه‌ها ایجاد شدند و رودخانه‌ها به جریان افتادند و ماه و ستارگان به چرخش درآمد (هینلز، ۱۳۸۶، ۲۲).

همچنین فردوسی در شاهنامه و در داستان کیومرث، محل تاجگذاری و زندگی کیومرث (اولین شهریار زمین) را کوه می‌داند:

کیومرث شد بر جهان کدخدای

نخستین به کوه اندرون ساخت جای

(فردوسی، ۱۳۸۹، ۳۸)

«هرودت» دربارهٔ نیایش کردن پارسیان در دورهٔ هخامنشیان می‌نویسد: «نیایش نه در عبادتگاه‌های بزرگ بلکه در فضای باز و بر روی کوه‌ها انجام می‌گرفت» (قرشی، ۱۳۸۹). همچنین خصلت نمادین کوه و نقش قاطعش در پاسداری از محصولات زراعی و حیات، در سراسر تاریخ معماری ایران ادامه داشته و گاه به صورت نمادهای خاص و گاه به شکل‌های دقیق‌تر، ظاهر شده است (مرزبان، ۱۳۷۳). لذا، کوه نیز یک عنصر چندوجهی کارکردی و اسطوره‌ای با تقدس زیاد و الهام‌بخش برای ایرانیان بوده است.

«فریزر» معتقد است: «تمدن‌های بین‌النهرین، فلات ایران، سواحل مدیترانه، مصر، چین و قارهٔ آمریکا که عمدتاً جوامعی کوچرو بودند، با گذر زمان و افزایش جمعیت جوامع اولیه و مهاجرت جوامع انسانی به نقاط دیگر، در جهان به وجود آمدند و برخلاف شکل سکونتشان، در آیین‌هایشان تغییر چندانی به‌وجود نیامده بود. لذا آنها به ساخت معابد و ساختمان‌های عظیم پرداختند و برای خدایان نذورات و قربانی‌های فراوان انجام می‌دادند» (فریزر، ۱۳۸۴، ۳۷۵). در واقع ساختمان‌های عظیم زیگورات‌ها، اهرام، مقابر و بناهای برجی شکل، گنبد‌ها و معابد چندین طبقهٔ بلند، در همه‌جا، نمادی از کوه و آسمان بودند. در این میان روابط معنایی و فرمی قابل اثبات بسیاری میان معابد زیگوراتی و کوه وجود دارد که در پژوهش‌های بسیاری مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است (Van der Sluijs, 2011, 53)؛ الیاده، ۱۳۸۷، ۱۰۷؛ الیاده، ۱۳۸۵؛ هال، ۱۳۸۰، ۱۴۵). در سرزمین میان‌رودان، علاوه بر احداث معابدی باشکوه برای خدایان، ساخت بناهایی به مانند کوه در چندین طبقه متشکل از سکوهایی بر روی هم [زیگورات] مرسوم بود. سومریان و بابلیان چون کوه مهمی نداشتند، زیگورات‌ها و عبادتگاه‌های خود را «کوه آسا» می‌ساختند. آنها زیگورات‌ها را در ابتدا به صورت سکویی می‌ساختند که در کنار معبد خدای حامی شهر قرار داشت. ایلامی‌ها نیز در ابتدا ساخت زیگورات‌ها را به صورت ساختمان‌های بزرگ مربع شکلی با خشت خام شروع کرده‌اند. این بنای معتبر باید تا مدت‌ها با معابد سایر خدایانی که در

معنایی نمادین یافته است. اگر ساخت آن به دلیل نمادگرایی نبوده باشد، بر اثر تکرار به نمادی با امکان تفسیر قدسی تبدیل شده و به عنوان الگوی معماری مقدس، معنوی و زیبا، در ذهن ایرانیان وجود داشته که در دوران اسلامی نیز بخش اصلی بنا را تشکیل می‌دهد (منصوری و جوادی، ۱۳۹۸). همچنین رویکرد سنت‌گرایانه، چارتاقی را شکلی قدسی می‌داند که ترکیب گنبد و مکعب، نمادی از آمیزش آسمان و زمین است و طرح چارتاق را متجسم‌ترین مظهر و تجلی آفریدگار می‌دانند که یادآور چهار عنصر، چهار جهت، چهار باد و چهار فصل است و جنبه‌هایی از زندگانی دنیوی را به عالم خیال عرضه می‌کنند (اردلان و بختیار، ۱۳۷۹، ۷۵).

از سوی دیگر، چارتاقی عنصری پیشرفته در سازه محسوب می‌شود. ارتفاع، مرکزیت، عظمت گنبد، وسعت فضای بدون ستون و تزئینات آن از جمله ویژگی‌هایی هستند که چارتاقی برای اعتلای فضای معماری ارائه کرده است. بویس معتقد است «خصیصهٔ عمده و ثابت در تمامی چارتاقی‌ها، پلان مربع شکل با گنبدی برافراشته به کمک گوشواره‌است» (Boyce, 1975, 9). اردلان و بختیار (۱۳۷۹، ۷۶) هم چارتاقی را نماد عالی ایستایی دانسته‌اند و از طرح‌های مندل‌وار می‌خوانند. در مجموع به دو دلیل می‌توان گفت چارتاقی یک فرم صرفاً عملکردی نبوده و عنصری چندوجهی است: اولاً چنین فرمی در مدت زمان بسیار طولانی در معماری ایران وجود داشته و با تغییر جهان‌بینی‌ها و ادیان از بین نرفته است؛ ثانیاً معماری چارتاقی فرمی پیچیده است و برای عملکردی ابتدایی (یعنی نگه‌داشتن سقف روی دیوار یا ستون‌ها) با دانش و امکانات آن زمان، نیازمند چنین فرم پیچیده‌ای نبوده است. لذا تکرار زیاد و پیچیدگی سازه‌ای آن نشان می‌دهد که این عنصر یک فرم کالبدی صرف نبوده است. از سویی رمزآلود بودن و بلندای کوه برای پیشینیان سبب شده تا کوه مرکز زمین و راهی برای رسیدن به آسمان تلقی شده و به عنصری مقدس تبدیل شود. همچنین زندگی در کوه نشان بریدن از تعلقات دنیایی و پیوستن به علایق آن جهانی و نشانه‌ای از خضوع و خشوع انسان در برابر خالق خویش است. به همین خاطر، اغلب آیین‌های باستانی روی کوه‌ها برپا می‌شده و غارهای داخل کوه هم از اولین نوع معابد بشر محسوب می‌شوند. «بیشتر پیامبران، آیین خویش را از کوه بر آدمیان نازل کرده‌اند و ارتباط غیبی آنان در کوه‌هایی که وضعیتی مثالی یافته‌اند برقرار شده است» (مختاری، ۱۳۷۹).

کوه‌ها نزد ایرانیان باستان فواید بسیاری داشته‌اند. در کتاب «مینوی خرد»، دانا سبب ساخته شدن کوه‌ها را از مینوی خرد می‌پرسد و پاسخ می‌شود که: «این کوه‌ها در جهان برخی انگیزندهٔ باد و برخی بازدارندهٔ آن، برخی جای ابر بارنده و برخی زندهٔ اهریمن و نگاهدارنده و زندگی‌بخش آفریدگان اورمزد خدایند» (عقیقی، ۱۳۷۴، ۵۹۲). در اندیشهٔ ایرانیان، زمین کاملاً

شکل می‌دهد. «پوپ» معتقد است وظیفه دائم معماری ایرانی، پرکردن شکاف هولناک میان دو دنیای خاکی و افلاکی به هر دو صورت طبیعی و نمادین است (Pope, 1977). از آنجا که روابط معنایی و فرمی قابل اثبات بسیاری میان معابد زیگوراتی و کوه وجود دارد و در ایران، پس از معابد زیگوراتی معابد به شکل چارتاکی نمایان شده‌اند، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که رابطه میان چارتاکی و کوه چگونه بوده است؟

مسئله پژوهش، یافتن ردپای تقدس کوه در معابد ایرانی پس از زیگورات‌هاست. البته چارتاکی بازسازی غارهای طبیعی یا دستکند کوه بوده و رابطه مستقیم میان چارتاکی و کوه وجود داشته اما از آنجا که با ازمیان رفتن زیگورات‌ها در ایران، چارتاکی‌ها (که هم در آیین مهرپرستی و هم آیین زرتشتی با عناوین مهرابه، معابد مهر و آناهیتا و آتشکده، معابد ایرانیان بودند) تبدیل به یگانه فرم اصلی معماری معابد در ایران شدند، باید سایر وجوه رابطه میان کوه و چارتاکی را نیز بررسی کرد. در این پژوهش برای تبیین رابطه کالبدی و معنایی میان کوه و چارتاکی، عنصر زیگورات به عنوان عنصری واسطه میان کوه و چارتاکی در نظر گرفته شده است. در ابتدا نظریات پیرامون موضوع و مسئله پژوهش مرور شده و سپس آیین‌ها و روابطی که در سه عنصر کوه، زیگورات و چارتاکی مشترک هستند بررسی شده‌اند. آیین‌های طواف و قربانی آیین‌های مشترک میان این سه عنصر هستند. همچنین از آنجا که این سه عنصر روابط گسترده‌ای با اسطوره مهر دارند، این رابطه نیز در هر سه نمونه مطالعه شده است. با توجه به اینکه تا به حال پژوهشی پیرامون این موضوع صورت نگرفته و پیشینه‌ای برای پژوهش وجود ندارد و صرفاً در برخی از منابع به وجود رابطه‌ای میان چارتاکی و کوه اشاره شده است؛ لذا روش پژوهش، روش کیفی مطالعه اسنادی با رویکردی اکتشافی است. همچنین ذکر این نکته ضروری است که در بررسی‌ها، خانه کعبه به دلایل ساخت آن در دوره مهری، تأثیر از معماری خاورمیانه در آن دوره، وجود رابطه با مهر یا خورشید (مرادی غیاث آبادی، ۱۳۸۷) و وجود آیین‌های قربانی و طواف، مورد مطالعه قرار گرفته است.

### مبانی نظری

نظریاتی پیرامون جنبه‌های قدسی و اسطوره‌ای چارتاکی مطرح شده است. «سید حسن نصر» منشأ فرم چارتاکی را به رموز کیهانی نسبت می‌دهد (نصر، ۱۳۹۴، ۸۴). در دوره ساسانی ترکیب معماری بناهای مذهبی چهار دهانه با گنبدخانه‌ای در میان، مرکزگرایی را به خوبی تداعی می‌کند. در طرح چارتاکی‌ها، آتش مقدس در مرکز و زیر گنبدخانه افروخته می‌شد و تاق‌های باز آن امکان رؤیت آن را به‌ویژه در شب از چهار جهت فراهم می‌کرد (جودکی عزیز، موسوی حاجی و مهرآفرین، ۱۳۹۳). صاحب‌نظرانی همچون «فلامکی» و «باستانی پاریزی» با تکیه بر مستندات تاریخی،

جوار آن ساخته شده بود مرتبط بوده باشد که پس از مدتی معابد به برجی پله‌دار تبدیل شده است. بررسی زیگورات‌های ایران نیز نشان می‌دهد، دلیل ساخت این زیگورات‌ها همان فلسفه وجودی زیگورات‌های بین‌النهرین است، یعنی نمادی از کوهستان مقدس، جایگاه خدایان و راهی برای رسیدن به خدا (موسوی حاجی و کیخایی، ۱۳۸۷).

معابد ایلامی در ارتباط کوه و آب شکل گرفته‌اند. «مهرداد بهار» معتقد است: «در تمدن ایلامی ایزدی هست که ایزد کوهستان‌هاست، که آب‌آور است. این ایزد، نشسته؛ از جلوی او آب عظیمی بلند می‌شود تا آسمان» (بهار، ۱۳۷۶، ۵۴۵-۵۴۴). مجیدزاده نیز معتقد است معابد ایلامی در ساحل رودها ساخته شده‌اند (مجیدزاده، ۱۳۷۰). در سرزمین سومری‌ها کوه مهمی وجود نداشته اما زیگورات‌ها که در تمدن ایلامی به کوهستان می‌رسند، به خاطر وجود کوه از بین رفته‌اند و تبدیل به معابدی بر بالای کوه شده‌اند. «در ایلام سرزمین‌های کوهستانی نیز وجود داشت اما در کوهستان‌ها دیگر زیگورات که معابدی کوه‌آسا بودند ساخته نمی‌شد. در این مورد می‌توان به معبد ایلامی کورنگان فارس که بر قلعه کوهی مشرف به رودخانه ساخته شده است اشاره کرد. لذا، معبد زیگورات‌ها در مناطق کوهستانی بر قلعه کوه شکل می‌گیرد و از خود زیگورات خبری نیست و به جای آن کوه حضور دارد» (موسوی حاجی و کیخایی، ۱۳۸۷).

بنابراین مشاهده می‌شود که گذشتگان، معابد خود را به‌نحوی در ارتباط با کوه و غارهای آن بنا می‌کنند. گاهی معابد را در دامنه یا بالای کوه و گاهی دیگر آنها را مثل زیگورات‌ها و اهرام به شکل کوه می‌سازند. بدین ترتیب معماری در تقدس‌بخشی به کالبد خود، از تقدس کوه استفاده کرده است. بنابراین می‌توان گفت رابطه میان کوه و چارتاکی (به عنوان معابدی که پس از زیگورات‌ها در ایران پدید آمدند) در ایران وجود داشته و باید گفت روند شکل‌یابی چارتاکی در ارتباط با کوه از یک معنای مشترک، که هر دو مکان قدسی بوده‌اند، شروع شده است. معابدی که پیش از این به صورت غار در دل کوه‌ها قرار داشته، تدریجاً با فرم چارتاکی، به صورت مستقل و در غالب معابد آناهیتا در کوه ایجاد شده (همچون قلعه دختر)؛ سپس به چارتاکی‌های نشانه که در مسیرهای کوهستانی قرار داشته (همچون طاق‌گرا در قصر شیرین)، مکان‌های مقدس داخل کوه (همچون نیاسر و نسلج) و آتشکده‌هایی بر بلندی کوه‌ها تبدیل شده‌اند. در مرحله بعد، چارتاکی به صورت آتشکده، به عنوان عنصر مقدس داخل شهر (نطنز) ظاهر شده است. پس از آن نیز این فرم به قسمت اصلی مسجد در مساجد گنبددار (همچون چارتاکی یزدخواست) و سپس به عنوان شبستان اصلی مسجد با رواق‌هایی که به آن می‌چسبید تبدیل شده و در نهایت فضای اصلی مقابر (امام‌زاده‌ها)، کاخ‌ها، خانه‌ها و مدارس را

و جهان زیرین تلقی می‌شوند (الیاده، ۱۳۸۵، ۳۵۱). در جایی دیگر الیاده بیان کرده، کوه نقطه تلاقی زمین و آسمان بوده و در نتیجه صاحب قداست دوگانه‌ای است؛ هم رمز فضای رفیع و برتر است و هم ظهور آثار جوی همچون باران و به این اعتبار، جایگاه خدایان است (الیاده، ۱۳۸۷، ۱۰۷-۱۰۶). از نگاه «می» (Mei, 1987) برخی از کوه‌ها به عنوان کوه‌های کیهانی، در مرکز یک جهان‌بینی قرار می‌گیرند، برخی دیگر نیز مکان‌های وحی و شهود یا منزلگاه و تجلی‌گاه الوهیت به‌شمار می‌روند.

ساخت معبد به صورت معابد غاری در دل کوه‌ها، نوعی از ارتباط معابد با کوه‌های مقدس است. «چنین رویکردی در معابد ادیانی چون مهرپرستی و بودائیسیم و معابد اولیه هندوها و پیروان جینیزم و برخی از معابد مصر باستان ملاحظه می‌شود. در آیین مهرپرستی، حادثه کشته‌شدن گاو نخستین توسط میترا در درون غار اتفاق افتاد و مراسم مذهبی در غارنماها (مهرابه) اجرا می‌شد» (کومن، ۱۳۸۰، ۴۷ و ۱۳۸).

در آیین زرتشت (دین ایرانیان باستان) نیز کوهستان مقدس بوده تا جایی که مورد ستایش و پرستش قرار می‌گیرد. در اوستا کتاب زرتشتیان آمده است: «ای هوم! می‌ستایم ابرها و باران را که پیکر تو را بر چکاد کوه می‌رویاند. می‌ستایم ستیغ کوهی را که تو بر آن روییدی» (دوستخواه، ۱۳۷۰، ۱۴۴). هرودت نیز درباره نیایش کردن پارسیان در دوره هخامنشیان می‌نویسد: «نیایش نه در عبادتگاه‌های بزرگ بلکه در فضای باز و بر روی کوه‌ها انجام می‌گرفت» (قرشی، ۱۳۸۹، ۱۳۱). «مقدم» نیز معتقد است «در شهرها که غار طبیعی یافت نمی‌شد، پیروان مهر پرستشگاه خود را با زدن طاق و درست کردن طاق‌نماها به صورت غار ساختگی در می‌آوردند و هر جا می‌شد این طاقی‌ها یا تکیه‌ها را زیر زمین می‌ساختند که بیشتر مانند غار و تاریک باشد» (مقدم، ۱۳۴۳، ۵۰).

گرامی‌داشتن کوه و جایگاه مقدسان بودن آن در شاهنامه فردوسی بازتاب این چنینی دارد که عابدی موسوم به هوم از نژاد فریدون:

پرستش گهش کوه بودی همه  
ز شادی شده دور و دور از رمه  
کجا نام آن پر هنر هوم بود  
پرستنده، دور از بر و بوم بود

(فردوسی، ۱۳۸۹، ۸۹۱)

لذا می‌توان گفت چارتاقی بازسازی غار-معبد‌های طبیعی یا دست‌ساز بوده و از این طریق چارتاقی با کوه دارای رابطه‌ای مستقیم است.

### - کوه، خانه مهر و خاستگاه آتش

از نظر ایرانیان، مهر یا خورشید در کوه زاده شده و در آنجا زندگی می‌کند. «از آنجا که می‌گفتند مهر از کوه زاده شده و در کوه می‌میرد، لذا هر جا غار یا کوهی که در دامنه آن آب روان جاری بود آنجا را زیارتگاه مهر و ناهید خوانده و اوقات معینی برای

چارتاقی را فضایی مذهبی و شکل دگرگون‌شده‌ای از نیایشگاه‌های ادیان باستانی می‌دانند و حتی آن را به آیین کهن ایرانی، مهرپرستی ربط می‌دهند (فلامکی، ۱۳۷۱؛ باستانی پاریزی، ۱۳۸۰).

همچنین نظریات مختلفی پیرامون نسبت میان معابد و کوه مطرح شده است. به عنوان مثال «شوالیه» و «گربران» معتقدند در مرکز جهان کوه مقدس وجود دارد. در این نقطه، آسمان و زمین تلاقی می‌کنند. تمامی معابد و قصه‌ها و شهرهای مقدس، یا مقرر شاهنشاهی به کوهی مقدس تشبیه شده و بدین‌گونه به درجه مرکز ارتقا یافته‌اند. از سویی معبد یا شهر مقدس جایی است که از آن ستون کیهان (محور جهان) عبور می‌کند» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۹، ۳۱۷). «الیاده» بر این باور است که علت به‌وجود آمدن آتشکده‌ها در کوه، تقدس کوه در آیین‌های باستانی است. او معتقد است کوه به دلیل اینکه نزدیک‌ترین نقطه به آسمان بوده، علاوه بر جایگاه عملکردی دارای معانی رمزی بوده است. وی ساخت بناهای مقدس همچون قربانگاه و آتشگاه را «بازسازی کوه کیهانی» و رمزی از مرکز عالم می‌داند و معتقد است شهرها و بناهای مقدس همواره در ترکیبی جاودانه با کوه بوده‌اند (الیاده، ۱۳۸۵). منصور و جوادی معتقدند «ترکیب چارتاقی و گنبد خود نمادی از کوه است... شاید بتوان احتمال داد فرم گنبد چارتاقی برگرفته از فرم کوه باشد. عده‌ای هم بر این باور هستند گنبد بر روی چارتاقی از بقایای آیین مهری و فرم مهرابه‌هاست که در غارها و شکاف کوه‌ها ساخته می‌شد» (منصور و جوادی، ۱۳۹۸). بمانیان و سیلواپه (۱۳۹۱، ۲۶) معتقدند مسئله صعود و حرکت از کثرت به وحدت، به‌روشنی بیانگر مرکزیت است که در کوه و گنبد قابل مشاهده است. چنانکه ملاحظه می‌شود، در گذشته برخی از پژوهشگران به رابطه میان معماری چارتاقی و کوه اشاره داشته‌اند اما این اشارات بسیار با احتیاط و ذیل متون و مباحث دیگر مطرح شده و تا به حال پژوهشی جدی برای تبیین این رابطه صورت نگرفته است.

### • کوه

#### - کوه به مثابه معبد

الیاده بر این باور است که: «قله کوه کیهانی، نه‌تنها بلندترین نقطه روی زمین، بلکه ناف زمین نیز به‌شمار می‌رود. یعنی نقطه یا ریشه‌ای است که آفرینش از آنجا آغاز شده است». وی همچنین رمزپردازی «مرکز جهان» را مشتمل بر نمادهای سه مجموعه همبسته و مکمل می‌داند: نخست اینکه در مرکز جهان «کوهستانی مقدس» واقع است و در آنجاست که آسمان و زمین به‌هم می‌پیوندند؛ دوم آنکه هر معبد یا هر کاخ و به‌طور گسترده هر شهر مقدس و اقامتگاه شاهانه، با «کوهستان مقدس» همانند شده و بدین‌گونه به مقام مرکز ارتقا یافته است. آخر آن که چون معابد یا شهرهای مقدس مکان‌هایی هستند که محور جهان از آنجا می‌گذرد، پس به نوبه خود، نقطه اتصال آسمان و زمین

۵۲ کیلومتر است و برخی از زائران معتقدند این مسیر را باید در طول یک روز طی کرد (Wise & Thurman, 1999). سعی میان صفا و مروه (هفت مرتبه میان دو کوه صفا و مروه)، از اعمال واجب مسلمانان در حج نیز، نوعی طواف در کوهستان است. در ادبیات ایران نیز بارها به طواف کوه قاف توسط سیمرغ اشاره شده است. به عنوان مثال مولانا در «مثنوی معنوی»، دفتر اول می‌گوید:

ظل او اندر زمین چون کوه قاف  
روح او سیمرغ بس عالی طواف

(مولوی، ۱۳۸۹، ۱۳۸)

و همچنین عطار در «جوهرالذات»، دفتر اول می‌گوید:

بگرد کعبه جان در طوافند  
چو سیمرغان همه در کوه قافند

(عطار نیشابوری، ۱۳۸۵، ۸۶)

### • آیین قربانی در کوهستان

یکی از مهمترین آیین‌های مذهبی که پیوند عمیقی با کوه دارد، آیین قربانی است که در اسطوره‌ها و افسانه‌ها درخور توجه بوده و در ادیان بزرگ الهی جزو آیین‌های عمده به‌شمار می‌رفته است. معمولاً آیین در بلندای کوه‌ها یا در پای چشمه‌ها انجام می‌گرفته است. در روایت‌های تاریخ ادیان نیز، اولین قربانی در داستان هابیل و قابیل در کوه بوده است. در آیین میتراپی اولین قربانی را مهر انجام داده و مهر بنای این جهان را با کشتن و قربانی کردن گاو نخستین ممکن می‌سازد: «مهر که دارنده دشت‌های فراخ و زادگاهش سینۀ کوه و در غار است، از آذرخش دو قطعه سنگ در البرز زاده شده و قربانی مقدس را در غار انجام داده است» (جوادی، ۱۳۸۶، ۱۵). به باور ورمازرن<sup>۱</sup> «گاو همان مهر نخستین است که با کشتن خود برکت‌بخشی را به جهانیان هدیه می‌دهد» (ورمازرن، ۱۳۹۰). «دیوید اولانسی»<sup>۲</sup> نیز معتقد است هرگونه توجیه شود، واقعیتی که مورد توجه و اعتقاد مؤمنین آیین میترا بوده، همان دستیابی به نجات به وسیله قربانی و بهره‌گرفتن از خون ازلی و همسان‌شدن با خدا در این ابدیت است (اولانسی، ۱۳۸۰). در آیین زرتشتی نیز پارسیان بر بلندترین ستیغ کوه‌ها بالا می‌روند و در راه اهورامزدا دهش می‌کنند. آنان همچنین در کوه برای خورشید، ماه، زمین، آتش، آب و باد نیز دهش می‌کنند. قلۀ کوه «هرئی‌تی» مکانی است که بزرگان به مراسم قربانی و ستایش خدایان می‌پرداخته‌اند (رضی، ۱۳۴۶). در حال حاضر نیز در برخی از نقاط ایران مثل روستای اسفنجان در سی و ششمین روز سال مردم بر بلندای کوهی مقدس در مجاور روستا قربانی می‌کنند (میری خسروشاهی و فرید آقایی، ۱۳۹۳).

### • زیگورات

- تقدس‌بخشی کوه به زیگورات

واژه سومری برای زیگورات (Ziggurat)، U-Nir (کوه) است

ستایش این دو مقدس بدان‌جا روی می‌آوردند و حاجت خود را از آنان می‌طلبیدند. مانند طاق بستان در کرمانشاه، پیر چک چک در یزد و بی بی شهربانو در تهران» (جوادی، ۱۳۸۶، ۱۴). بر پایه مهریشت، مهر هر روز پگاهان بر گردونۀ زرین خویش از کوه سپند و آیینی البرز برمی‌آید و آسمان را درمی‌نوردد و با هزاران چشم، خانمان‌های آریایی را می‌نگرد تا مبادا کسی به کژی بگراید و پیمان بشکند. بنابراین، مهر بر پیمان‌ها نظارت می‌کند و برای بهتر انجام‌دادن چنین وظیفه‌ای، صفت خدای همیشه بیدار را دارد و هرگز خواب به چشمانش نمی‌آید. در روزگاران سپسین، مهر با خورشید که او نیز زربینه‌ای است آسمان‌پوی، در آمیخته و یکی شده است (موسوی، ۱۳۸۸، ۱۱۵). داستان پدیدآمدن آتش و بنیادنهادهن جشن سده نیز که مرتبط با کوه است، در شاهنامه بدین‌گونه آمده است: «هوشنگ با چند تن از نزدیکان از کوه می‌گذشتند که مار سیاهی نمودار شد. هوشنگ سنگ بزرگی برداشت و به سوی آن رها کرد. سنگ به کوه برخورد کرد و آتش از برخورد سنگ‌ها برخاست» (مهر، ۱۳۸۳، ۱۹۰). به گفته فردوسی در داستان هوشنگ:

برآمد به سنگ گران سنگ خرد  
هم آن و هم این سنگ گردید خرد  
فروغی پدید آمد از هر دو سنگ  
دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ  
جهاندار پیش جهان آفرین  
نیایش همی کرد و خواند آفرین  
که او را فروغی چنین هدیه داد  
همین آتش آن‌گاه قبله نهاد  
یکی جشن کرد آتش و باده خورد  
سده نام آن جشن فرخنده کرد

(فردوسی، ۱۳۸۹، ۴۲)

### • آیین طواف در کوهستان

خورشید ایزد بزرگ آریایی که بین هندیان و ایرانیان مشترک بوده است، در دو فرهنگ شباهت‌های بسیاری به یکدیگر دارند که علت آن را باید در هم‌نژادی و داشتن تاریخ استوره‌ای مشترک دو ملت دانست و تفاوت‌ها را باید در هزاره‌های دورماندن این دو ملت هم‌نژاد از یکدیگر و جبر محیط متفاوت و تأثیر آن در باورها جستجو کرد (جوادی و نیکویی، ۱۳۹۴). کارکرد دایره در اسطوره‌ها، رؤیاهای، مانداالاهای، آیین‌های پرستش خورشید و نیز نقشه‌های قدیم شهرها، بیانگر توجه به تمامیت به عنوان اصلی‌ترین و حیاتی‌ترین جنبه زندگی انسان است (یونگ، ۱۳۷۸، ۳۷۹). براساس سنتی هزاران ساله، هر سال هزاران نفر به زیارت کوه کیلاش در هندوستان می‌روند. زائران که از ادیان مختلف در هندوستان هستند معتقدند، طواف کوه کیلاش با پای پیاده برای تقدیر آنها خوب خواهد بود. البته جهت گردش به دور کوه میان بوداییان و هندوها متفاوت است. مسیر طواف

### - آیین قربانی در زیگورات

در آیین میتراپی، قربانی کردن گاو نقطه متمرکز مراسم دینی و مظهر پیروزی بر طبیعت حیوانی انسان و حیات به واسطه مرگ است. قربانی کردن جانوران، رسمی عمیقاً نمادین بود و در آثار شکل گرفته براساس اعتقادات مهری دیده می‌شود (افضل طوسی و حسن پور، ۱۳۹۱). الیاده معتقد است قربانی کردن در آیین میتراپی سبب عروج کاهنان به جهان کیهانی می‌شود. «در عروج شمن‌ها به کمک نردبان، درخت کیهانی پلکانی، نردبان هفت پله‌ای که رازآموز در آیین میترا از آن بالا می‌رود و نردبانی که راز آیین‌های قربانی از خود می‌سازد تا به جهان کیهانی برسد، همه نمایانگر فرارفتن از جهان مادی با دستیابی به رفعت عالم است و رسیدن به عالی‌ترین نقطه کمال که با مرکز کیهان برابر گرفته شده است» (الیاده، ۱۳۶۲، ۱۱۸).

مطالعات صورت گرفته درباره چغازنبیل به عنوان بزرگترین و مهمترین زیگورات برجای مانده نشان می‌دهد دروازه اصلی و مهم که به عنوان دروازه پادشاه معروف است، در جنوب شرقی زیگورات واقع شده است. بعد از دروازه نزدیک زیگورات، چهارده ورودی قربانی وجود دارد (Niroumand, Zain & Jamil, 2012). همچنین برخی بر این باور هستند که ساختار مربع (مکعب) شکل با سکوهای دایره‌ای در چغازنبیل، برای انجام مراسم مذهبی و قربانی بوده است (شمشادی و حسینی دستجردی، ۱۳۹۶).

### • چار تاقی

#### - تقدس بخشی کوه به چار تاقی

انتخاب کوه برای ساخت چار تاقی احتمالاً ریشه در رمزپردازی کوه در ادیان باستانی منطقه خاورمیانه دارد. در این ادیان، آسمان رمز جایگاه نور و عامل هستی‌بخش و منبع نزولات جوی بوده است. کوه نیز به سبب آنکه نزدیکترین نقطه به آسمان بوده، همواره علاوه بر جایگاه عملکردی خود دارای معانی رمزی بوده است. صاحب‌نظرانی همچون فلامکی و باستانی پاریزی، با تکیه بر مستندات تاریخی، چار تاقی را فضایی مذهبی و شکل دگرگون شده‌ای از نیایشگاه‌های ادیان باستانی می‌دانند و حتی آن را به آیین کهن ایرانی، یعنی مهرپرستی ارتباط می‌دهند. باستانی پاریزی آتشکده آذرگشسب را معبد آناهیتا آتشکده باکو (که متعلق به پادشاهان پیشین ارمنستان که مسیحی نبوده‌اند) را جایگاه خدایان مهر و ناهید می‌داند (فلامکی، ۱۳۷۱؛ باستانی پاریزی، ۱۳۸۰).

در دوره زرتشتی با افزایش آتشکده‌ها، ایرانیان قدیم معابد و آتشکده‌های خود را بر بلندای کوه می‌ساختند و در آنجا که اثری از کوه نبود، آتشکده‌ها را بر فراز تپه‌ها بنا می‌کردند. باستانی پاریزی علت قرارگیری معابد ایرانی در کوه‌ها و قله‌های بلند و محفوظ را، به سبب حفاظت از حملات و غارت دانسته

که Jastorm آن را (مرئی از راه دور) معنی و تفسیر کرده است (الیاده، ۱۳۸۵، ۱۰۷). اعتقاد به زندگی خدایان در مرکز کوه مرو (سومرو) نیز باعث شکل‌دهی بسیاری از معابد مهم هندی و بودایی به شکلی از کوه مقدس شده است (Mabbett, 1983). «پیتر جنسن»<sup>۳</sup> در سال ۱۸۹۰ زیگورات‌ها را از نظر نمادین با مفهوم کوه کیهانی از نظر بابلی‌ها مرتبط دانسته است (Van der Sluijs, 2011, 53). همچنین الیاده بر این باور است که زیگورات بابلی‌ها بدون اغراق کوه‌های کیهانی بوده است که هفت طبقه برج هفت آسمان نجومی را ارائه می‌دهد و فرد روحانی با عبور از آنها به قله عالم می‌رسید (الیاده، ۱۳۸۷). هال<sup>۴</sup> نیز معتقد است زیگورات، نماد کوه مقدس بوده که آسمان و زمین را به هم پیوند می‌دهد است (هال، ۱۳۸۰، ۱۴۵).

#### - رابطه زیگورات با مهر و آتش

زیگورات‌ها از دو طریق با مهر در ارتباط بوده‌اند؛ رابطه نمادین و رابطه کارکردی. ارتباط نمادین با مهر از طریق رنگ طلایی طبقه آخر زیگورات‌هاست. «رنگ طبقه‌های مختلف زیگورات‌ها از پایین به بالا عبارت بود از: سفید- سیاه (به نشانه جهان زیرین و نامرئی)- قرمز (جهان خاکی)- آبی (مظهر آسمان) - گنبد یا اتاقک فراز زیگورات به رنگ طلایی، نمادی از خورشید آیا خدایان» (ورجاوند، ۱۳۸۵، ۲۹). رابطه کارکردی نیز مستقیماً با تابش خورشید مرتبط است. به‌طور مثال در یک ماکت برنزی مربوط به دو زیگورات که در شوش به دست آمده، شاهد مراسم خاصی هستیم که کاهنان معبد در موقع برآمدن خورشید، در کنار آن دو ستایشگاه انجام می‌دهند. این اثر نیز نمود دیگری از پیوند مراسم مذهبی با اجرام فلکی است (پاتس، ۱۳۹۷، ۳۴۷).

#### - آیین طواف در زیگورات

شکل مورب و ماریج پلکان‌های زیگورات‌ها سبب می‌شده تا زائران برای رفتن به طبقات بالاتر، به دور زیگورات بچرخند. البته در رابطه با مورب بودن ورودی‌ها و پلکانی و ماریجی بودن معابد، نظریه‌های مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند این مسئله به اعتقاد دور از دسترس بودن مکان خدایان بازمی‌گردد. آنان برای رعایت احترام و دوری از توهین نسبت به خدایان و ارواح مقدسشان (که در بالاترین قسمت معبد جای داشتند)، همه راه‌ها را با پیچ‌وخم‌های زیاد ایجاد می‌کردند و برای اینکه زوار را ملزم به دورزدن کامل آن کنند، پلکان‌هایی با ارتفاع متفاوت و ورودی‌هایی مورب می‌ساختند (شمشادی و حسینی دستجردی، ۱۳۹۶). برخی نیز معتقدند در چهار طرف زیگورات چغازنبیل، چهار پلکان وجود دارد؛ بازدیدکننده‌ها و زائرانی که می‌خواستند برای زیارت به بالا و معبد اعلا در طبقه پنج (که به خدای اینشوشیناک اهدا شده بود) بروند، مجبور بودند که به حالت طواف مسیر را طی کنند. یعنی پلکان‌ها طوری ساخته شده بودند که شخص به طواف مجبور می‌شد (احمدزاده شوهانی، ۱۳۸۵).

در ایران و آیین مهر یا میتراپیسم نیز هست. آتشکده به معنی خانه آتش و آتشخانه اصطلاحاً به محلی اطلاق می‌شود که زرتشتیان آتش مقدس را در آن نگهداری می‌کردند. در اوستا واژه‌ای که دقیقاً به جای آتشکده به کار برده شده باشد دیده نمی‌شود، اما در پهلوی، آتش مطلقاً به معنی آتشکده آمده است. زرتشتیان ایران و هند، آتشکده را «آذربان» و «در مهر» گویند. در بینش اشوزرتشت خداوند را باید در روشنایی جستجو کرد پس هر زرتشتی به هنگام نیایش رو به سوی روشنایی می‌کند. از آنجا که زرتشتیان، ایزد مهر را مسئول رسیدگی به اعمال آدمی می‌دانند، به آتشکده‌ها «دار» یا «در مهر» نیز می‌گویند (Boyce, 1975, 9؛ اوشیدری، ۱۳۷۹).

رابطه مهر یا آتش با چارتاقی، در چارتاقی کعبه نیز مشاهده می‌شود. برخی با توجه به مناسبت معنایی ابوقبیس با «قَبَس» (قطعه‌ای از آتش) گفته‌اند که آدم (ع) از این کوه آتش برگرفت. برخی نیز نام ابوقبیس را به صورتی مصغر مأخوذ از «قَبَس النار» دانسته‌اند، زیرا گفته‌اند که دو چوب آتش زنه (مرخ) از آسمان بر این کوه فرود آمد، آدم (ع) آنها را برگرفت، چنان که از برخورد آن دو آتش پدیدار شد (یاقوت حموی، ۱۳۸۰).

#### - آیین قربانی در چارتاقی

«رومان گیرشمن» در جلد دوم از کتاب «چغازنبیل» پس از نقل توصیفی که «گزنفون» از عهد کورش درباره اجرای مراسم دینی انتقال آتش مقدس به صورت دسته‌جمعی و انجام دادن آیین قربانی توضیح می‌دهد، معتقد است در عهد ساسانی، با توجه به پس‌زمینه‌های فکری عهد عیلامی و مزدایی عهد هخامنشی، در برخی جشن و سرورهای مذهبی که جمعیت کثیری از مردم شهر یا روستا در آن حضور داشتند، یک مراسم دینی انتقال آتش مقدس از آتشگاه شهر و روستا به مکان خارج از شهر و تخت‌نشینی موقتی آن زیر چارتاقی انجام می‌شده و پس از پایان جشن مذهبی، دوباره آتش را از چارتاق برداشته و به آتشگاه روستا یا شهر بازمی‌گرداندند (گیرشمن، ۱۳۷۵). آیین قربانی گاو در نیاسر نیز همه‌ساله پس از برگزاری نماز عید قربان با حضور جمع زیادی از مردم برگزار می‌شود. هر خانواده بنا بر استطاعت مالی خود مبلغی برای کمک به این آیین می‌پردازد و پس از گرداندن گاو در محله‌های نیاسر، آن را در کنار چشمه در نزدیکی اثر تاریخی چارتاقی ذبح می‌کنند (منصوری، ۱۳۹۴). روایتی از قربانی کردن برای باد توسط اهورامزدا به دست آمده است که وی بر تختی زرین (در زیر سایبانی زرین که بر ستون‌هایی قرار دارد) و فضایی شبیه به چارتاقی است (اعتماد مقدم، ۱۳۵۴، ۳۴).

#### - آیین طواف در چارتاقی

طواف به دور آتش از رسومات قدیمی مهری و زرتشتی است. به عنوان مثال در بخارا این رسم برقرار است که داماد باید عروس را پیش از ورود به خانه بخت، سه بار دور آتش بچرخاند.

است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۰). برخی نیز اولین نیایشگاه‌های آناهیتا را مانند معابد مهر، غارهایی می‌دانند که در آن، آب روان جاری بود (شهرزادی، ۱۳۷۵). معابد مهر و آناهیتا معمولاً در جوار هم و در کنار آب‌های جاری ساخته می‌شدند (بهار، ۱۳۷۶). براساس منابع مختلف، پیش از اسلام سه آتشکده بزرگ در ایران وجود داشته که هر سه بر بلندای کوه ساخته شده‌اند: آتشکده «فرنبنگ» که آتش طبقه دانایان، پیشوایان و دبیران بوده و بنا بر منابع در کوه فرهمند قرار داشته است؛ آتشکده «آذربرین» که آتش طبقه کشاورزان و برزیگران شمرده می‌شده و بر فراز کوه ریوند قرار داشته است؛ آتشکده «آذرگشسب» که آتش شاهان و بزرگان بوده و در کوه‌های آذربایجان (در منابع مختلف کوه‌های سبلان یا سهند) قرار داشته است (جعفری کمانگر و مدبری، ۱۳۸۲). جوادی چشمه‌های مقدس در پای کوه را مرتبط با داستان پرتاب تیری می‌داند که میترا به دل صخره انداخت و از آن چشمه جاری شد و تقدس کوه و ساختن بسیاری از چارتاقی‌ها و اختصاص اماکن مقدس بر بلندای کوه و به خصوص تقدس کوه البرز نزد نیاکان ایران را از این رو می‌داند. همچنین معتقد است دلیل آنکه در اعتقادات دیگر اقوام، معابد را به شکل کوه یا بر فراز کوه بنا می‌کردند، تقدس کوه‌ها بوده که آنها را جایگاه خدایان می‌شمردند (جوادی، ۱۳۸۶).

یکی از راه‌های ارتباط میان معبد و کوه مقدس یا به بیانی دیگر تقدس بخشی به معبد از طریق کوه مقدس، استفاده از سنگ‌های کوه مقدس در ساخت بنای معبد است. چنانکه در منابع مذهبی آمده بنای کعبه از پنج کوه مقدس ساخته شده است. آدم همین که به مکه رسید، خانه‌ای از سنگ پنج کوه بنا کرد... و پایه‌های آن را از کوه «حرا» آورد... خانه کعبه به همین گونه ماند تا هنگامی که خدا قوم نوح را غرق کرد و در این هنگام بود که کعبه از میان رفت و تنها پایه آن برجای ماند تا زمانی که خدا ابراهیم را در آن سرزمین جای داد (ابن اثیر، ۱۳۷۱). کوه ابوقبیس یکی از پنج کوهی که کعبه با سنگ‌های آن ساخته شده، کوه مقدسی است که مشرف بر مسجدالحرام است. در فضیلت این کوه آورده‌اند زمانی که حجرالاسود از بهشت فرود آمد، در این کوه به ودیعت گذاشته شد. همچنین این کوه را نخستین و برترین کوه زمین خوانده‌اند. برخی از روایات حجرالاسود را سنگی می‌دانند که حضرت ابراهیم (ع) از کوه «ابوقبیس» آورد و در دیوار کعبه جای داد (ابن سعد، ۱۳۷۴).

#### - چارتاقی و مهر

بسیاری از مهرابه‌ها چه در آسیا و چه در اروپا، برای گرمی داشتن مادر مهر، به نام ناهید نامگذاری شده‌اند (مقدم، ۱۳۴۳، ۷۱). «جان بویر ناس»<sup>۵</sup> آتش را تمثیلی از خورشید و نور مقدس در معابد می‌داند که در معابد زرتشتی، هندوها و یونان باستان استفاده می‌شده است (ناس، ۱۳۸۷). زرتشتیان معبد و آتشکده را «در مهر» نیز می‌گفته‌اند که یادآور سنت‌های پیشین تاریخی

روابط معنایی و فرمی قابل اثباتی میان معابد زیگوراتی و کوه وجود دارد که نشان می‌دهد کوه الهام‌بخش زیگورات‌ها بوده و تقدس زیگورات مرتبط با کوه است. با ازمیان رفتن زیگورات‌ها در ایران، چارتاقی‌ها (که هم در آیین مهرپرستی و هم در آیین زرتشتی با عناوین مهربابه، معابد مهر و آناهیتا و آتشکده، معابد ایرانیان بودند) تبدیل به یگانه فرم اصلی معماری معابد در ایران شدند. یافته‌های پژوهش به دو گونه نشان می‌دهد تقدس کوه در معماری ایران با ازمیان رفتن زیگورات‌ها تمام نشده، بلکه در معابد پس از زیگورات (که چارتاقی‌ها هستند) با الهام از غار و ارتباط آن با کوه تداوم یافت. دلیل اول آنکه چارتاقی‌ها بر بلندای کوه و تپه و یا در جوار آب‌های مقدس برپا می‌شده‌اند. این رابطه مستقیم، پس از ورود دین زرتشت نیز (که چارتاقی‌ها به آتشکده‌ها تبدیل شده‌اند) وجود داشته و آتشکده‌های جدید در ارتباط مستقیم با کوه ساخته شده‌اند. دلیل دیگر تداوم آیین‌های مشترک طواف و قربانی کوه و زیگورات در عنصر چارتاقی است. اشتراک این آیین‌ها در هر سه عنصر (کوه، زیگورات و چارتاقی) و در واقع تداوم این آیین‌ها در چارتاقی، نشان‌دهنده وجود رابطه‌ای معنایی میان چارتاقی و کوه است و می‌توان گفت این رابطه معنایی با ازمیان رفتن زیگورات‌ها، به معابد چارتاقی منتقل شده است. مسئله مهم دیگر رابطه سه عنصر ذکرشده کوه، زیگورات و چارتاقی با اسطوره مهر است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، مهر (خورشید یا آتش) در هر عنصر کوه، زیگورات و چارتاقی، دارای جایگاه مهم و تأثیرگذاری است - کوه خانه مهر است و آتشکده هم دار مهر - که این رابطه در زیگورات‌ها نیز وجود داشته است. در نهایت ذکر این نکته لازم است که در این پژوهش، رابطه مستقیم بین عنصر چارتاقی و زیگورات به صورت مستقیم یافت نشده و زیگورات به عنوان یکی از فرم‌های اولیه معماری معابد، دارای رابطه با کوه، به عنوان عنصر واسطه‌ای بین چارتاقی و کوه مورد بررسی قرار گرفته است.

آیین چرخیدن دور آتش در ازبکستان نیز متأثر از عادات زرتشتی دانسته شده است. در روستاهای ارمنستان و همچنین بخش‌هایی از هندوستان، طواف دور آتش هنگام مراسم عروسی متداول است. این آیین در روستاهایی در استان فارس و کهگیلویه و بویراحمد ایران نیز وجود دارد (شهمردان، ۱۳۶۰، ۱۲۰؛ قاره بایف، ۱۳۸۴). گروسی در مشاهدات خود از بنای یک چارتاقی در «خیر» شهرستان استهبان فارس بیان کرده بنایی چارتاقی در آنجا وجود دارد که به اعتقاد گذشتگان نشان آن را «قبر مادر اردشیر» می‌خوانده‌اند. این بنا مورد احترام اهالی بوده و دیر زمانی پیشتر، هر کس که از آن ناحیه عبور می‌کرده، بنابر نذر و نیازی که داشته پا برهنه دور آن طواف می‌کرده است (گروسی، ۱۳۵۵).

گرداگرد برخی چارتاقی‌ها، غلام‌گرد و دالانی بوده که فضایی برای طواف به دور کانون به‌وجود می‌آورده و در مهار رانش گنبد هم مؤثر بوده است. شاید رسم طواف به دور آتش، در غلام‌گردش چارتاقی‌های ساسانی نیز معمول بوده، فضایی که در چارتاقی‌ها وجود داشته و امکان طواف را مهیا می‌ساخته است. مثل چارتاقی‌های: کنارسیاه فارس، سیاه گل در ایوان، تل جنگی و کهنارو در فیروزآباد، آذرگشسب در آذربایجان و چارتاقی گنبد در فراشبند (شیرازی، ۱۳۱۴، ۱۱۰؛ کاظمی، ۱۳۹۳).

### نتیجه‌گیری

پیچیدگی در فرم و فراوانی چارتاقی در معماری ایران حاکی از آن است که این سازه، عنصری تک‌بعدی و صرفاً کالبدی نیست. بررسی نظریات پیرامون وجوه اسطوره‌ای و تقدس این عنصر نیز گواهی بر این مسئله است. از سویی نیز کوه یک عنصر طبیعی چندوجهی (کارکردی و اسطوره‌ای) و الهام‌بخش برای ایرانیان بوده و به عنوان یک عنصر مقدس جایگاه ویژه‌ای در تقدس‌بخشی به معماری ایران داشته است. چنانکه در خصوص زیگورات‌ها که اولین نوع معابد ایران هستند این مسئله قابل مشاهده است.

### پی‌نوشت‌ها

\* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری «بابک داریوش» با عنوان «رویکرد منظرین در رابطه با کوه‌های البرز و شهر تهران» است که در «دانشگاه زنو و پژوهشکده نظر» با راهنمایی دکتر «آن اسگارد» در حال انجام است.

۱. Maarten Jozef Vermaseren

۲. David Ulansey

۳. Peter Jensen (1861-1936)

۴. James Hall

۵. John Boyer Nos



- ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۷۱). *الکامل فی التاریخ* (ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی). جلد اول. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن سعد، محمد. (۱۳۷۴). *طبقات الكبرى* (ترجمه محمود مهدوی دامغانی). جلد اول. تهران: فرهنگ و اندیشه.
- اتینگهاوزن، ریچارد و گرابر، اولگ. (۱۳۸۱). هنر و معماری اسلامی ۳ (ترجمه یعقوب آژند). تهران: انتشارات سمت.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۷۹). حس وحدت؛ سنت عرفانی در معماری ایران (ترجمه حمید شاهرخ). تهران: نشر خاک.
- اعتماد مقدم، علیقلی. (۱۳۵۴). آیین و رسم‌های ایرانیان باستان بر بنیاد شاهنامه فردوسی. تهران: انتشارات اداره فرهنگ و هنر.
- الیاده، میرجا. (۱۳۶۲). چشم‌اندازهای اسطوره (ترجمه جلال ستاری). تهران: انتشارات توس.
- الیاده، میرجا. (۱۳۸۵). رساله در تاریخ ادیان (ترجمه جلال ستاری). چاپ سوم. تهران: انتشارات سروش.
- الیاده، میرجا. (۱۳۸۷). مقدس و نامقدس (ترجمه نصرالله زنگویی). تهران: سروش.
- احمدزاده شوهانی، لقمان. (۱۳۸۵). دورانتاش، قلعه پادشاه ایلامی؛ شیوه ساخت چغازنبیل زائران را به طواف وادار می‌کرد. تاریخ مراجعه: ۱۳۹۸/۰۶/۲۰. قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/۸۵۰۶۱۱۰۸۹>.
- افضل طوسی، عفت‌السادات و حسن‌پور، مریم. (۱۳۹۱). نقش نمادهای آیینی و دینی در نشانه‌های بصری گرافیک معاصر ایران. *مطالعات ملی*، ۱۳(۱۳): ۴۹-۱۳۵.
- اولانسی، دیوید. (۱۳۸۰). پژوهشی در میتراپرستی؛ کیهان‌شناسی و نجات و رستگاری در دنیای باستان (ترجمه مریم امینی). چاپ سوم. تهران: نشر چشمه.
- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۹). نور، آتش و آتشکده در آئین زرتشت. تهران: جهانگیر اوشیدری.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۰). خاتون هفت قلعه. تهران: روزبهان.
- بمانیان، محمدرضا و سیلویا، سونیا. (۱۳۹۱). بررسی نقش گنبد در شکل‌دهی به مرکزیت معماری مسجد آرمانشهر، (۹۵)، ۱۹-۳۰.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). از اسطوره تا تاریخ. گردآورنده و ویراستار: ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: نشر چشمه.
- پاتس، دنیل. (۱۳۹۷). باستان‌شناسی ایلام (ترجمه زهرا باستی). تهران: انتشارات سمت.
- جعفری کمانگر، فاطمه و مدبری، محمود. (۱۳۸۲). کوه و تجلی آن در شاهنامه فردوسی. پژوهش‌های ادبی، ۲(۱): ۶۳-۷۲.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۶). اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت و کوه). باغ نظر، ۱۲(۸): ۱۲-۲۲.
- جوادی، شهره و نیکویی، علی. (۱۳۹۴). استوره خورشید در هند و ایران. هنر و تمدن شرق، ۳(۱۰): ۱۵-۲۱.
- جودکی عزیزی، اسدالله؛ موسوی حاجی، سیدرسول و مهرآفرین، رضا. (۱۳۹۳). گونه‌شناسی الگوی چهارصفه در معماری ایرانی و سیر تحول آن. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۲(۴): ۶۴-۸۶.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۷۰). اوستا: کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی. تهران: نشر مروارید.
- رضی، هاشم. (۱۳۴۶). فرهنگ اعلام اوستا. تهران: انتشارات فروهر.
- شمشادی، رضوان و حسینی دستجردی، سید مجید. (۱۳۹۶). نقش و تأثیر باورها و نمادهای آیینی در شکل‌گیری زیگورات چغازنبیل. پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۲(۶): ۱۰۳-۱۱۶. شوالیه، ژان و گربران، آلن. (۱۳۸۹). فرهنگ نمادها (ترجمه سوادبه فضایی). تهران: انتشارات جیحون.
- شهرزادی، رستم. (۱۳۷۵). موبد رستم. وهومن، (۱۰): ۴۶-۵۱.
- شهرمدان، رشید. (۱۳۶۰). تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان. تهران: راستی.
- شیرازی، فرصت‌الدوله. (۱۳۱۴). آثار عجم. به اهتمام: عبدالله طهرانی. بمبئی: مطبع نادری.
- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۸۵). جوهرالذات. تهران: نشر اشراقیه.
- عفیفی، رحیم. (۱۳۷۴). اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی. تهران: انتشارات توس.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۷۱). شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب. تهران: نشر فضا.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق. چاپ سوم. تهران: سخن.
- فریزر، جیمز جورج. (۱۳۸۴). شاخه زرین (پژوهش در جادو و دین) (ترجمه کاظم فیروزمندی). تهران: نشر آگه.
- قاره بایف، عثمان. (۱۳۸۴). سنت‌ها، مراسم و جشن‌های ازبکی. گردآوری: عباسعلی وفاپی. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- قرشی، امان‌الله. (۱۳۸۹). آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی. تهران: هرمس.
- کاظمی، باغش. (۱۳۹۳). چهارتاقی‌ها و آتشخانه‌های ایران. دانش مرمت و میراث فرهنگی (ویژه‌نامه آتشکده‌ها و آتشگاه‌های ایران)، ۲(۲): ۴۴-۱۰۲.
- کومن، فرانس والرئ ماری. (۱۳۸۰). آئین پر رمز و راز میتراپی (ترجمه هاشم رضی). تهران: بهجت.
- گروس، عباس. (۱۳۵۵). آتشکده بهرام و بررسی مختصر جغرافیای تاریخی مناطق اطراف دهستان خیر. بررسی‌های تاریخی، (۶۶): ۱۹۹-۲۳۷.
- گیرشمن، رومان. (۱۳۷۵). چغازنبیل (دور اونتاش) (ترجمه اصغر کریمی). جلد دوم. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- لغت‌نامه دهخدا. (۱۳۷۷). علی‌اکبر دهخدا زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۷۰). تاریخ و تمدن ایلام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مختاری، محمد. (۱۳۷۹). اسطوره زال. تهران: انتشارات توس.
- مرادی غیاث‌آبادی، رضا. (۱۳۸۷). پیوندهای کعبه با خورشید و خانه خورشید. تاریخ مراجعه: ۹۸/۰۵/۲۰ قابل دسترس در: <http://www.ghiasabadi.com/kabe.html>.
- مرزبان، پرویز. (۱۳۷۳). خلاصه تاریخ هنر. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مقدم، محمد. (۱۳۴۳). مهربا یا پرستشگاه دین مهر. تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۹۴). نگاهی به منظر کاشان: گزارش سفر علمی پژوهشگران منظر به شهر کاشان. تهران: پژوهشکده منظر.
- منصوری، سیدامیر و جوادی، شهره. (۱۳۹۸). سه‌گانه منظر ایرانی. تهران: پژوهشکده منظر.
- موسوی، سیدرسول. (۱۳۸۸). تصاویر بلاغی خورشید در شاهنامه و بازتاب اسطوره مهر در آن. ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، ۵(۱۴): ۱۱۲-۱۲۸.
- موسوی حاجی، سیدرسول و کیخایی، مهدی. (۱۳۸۷). زیگورات، یک سازه تمثیلی. پژوهش‌های تاریخی، ۲(۲): ۱۶۱-۱۷۹.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۹). مثنوی معنوی. براساس تصحیح رندالین نیکلسون. قم: کمال‌الملک.
- مهر، فرهنگ. (۱۳۸۳). دیدی نو از دینی کهن (فلسفه زرتشت). چاپ هفتم، تهران: جامی.
- میری خسروشاهی، حمیده و فرید آقایی، مریم. (۱۳۹۳). بررسی مردم‌شناختی آیین قربانی سی و ششمین روز بهار در اسفنجان. فرهنگ و مردم ایران، ۳(۳۶): ۱۲۹-۱۴۴.
- ناس، جان. (۱۳۸۷). تاریخ جامع ادیان (ترجمه علی اصغر حکمت). چاپ دهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نصر، سید حسین. (۱۳۹۴). هنر و معنویت اسلامی (ترجمه رحیم قاسمیان). تهران: انتشارات حکمت.
- ورمازرن، مارتین. (۱۳۹۰). آیین میترا (ترجمه بزرگ نادرزاده). تهران: نشر

of Chogha Zanbil in earth architecture based on material, Structural and Architectural Aspects. *Advanced Materials Research*, (457-458), 395-398.

- Mei, Y. P. (1987). «Mountains». In L. Jones & M. Eliade (Eds.), *Encyclopedia of religion*. New York: Collier Macmillan Publishers.
- Pope, A. U. (1977). *A survey of Persian art, from Prehistor Times to Present*. Tehran: Soroush Press.
- Wise, T. & Thurman, R. (1999). *Circling the sacred mountain: A spiritual adventure through the Himalayas*. New York: Bantam.
- Mabbett, I. W. (1983). The symbolism of mount Meru. *History of Religions*. 23(1), 64-83.
- Van der Sluijs, M.A. (2011). *Traditional cosmology (4); The Global Mythology of Cosmic Creation and Destruction; volume: Disintegration*. London: All-Round Publications.

چشمه.

- ورجاوند، پرويز. (۱۳۸۵). كاوش رصدخانه مراغه (و نگاهي به پيشينه دانش ستاره‌شناسي در ايران). تهران: اميركبير.
- هال، جيمز. (۱۳۸۰). فرهنگ نگاره‌اي نمادها در هنر شرق و غرب (ترجمه رقيه بهزادي). تهران: فرهنگ معاصر.
- هينلز، جان راسل. (۱۳۸۶). شناخت اساطير ايران (ترجمه زاله آموزگار و احمد تفضلي). تهران: نشر چشمه.
- ياقوت حموي. (۱۳۸۰). معجم البلدان (ترجمه علينقي منزوي). جلد اول، تهران: سازمان ميراث فرهنگي کشور.
- يونگ، كارل گوستاو. (۱۳۷۸). انسان و سمبول‌هايش (ترجمه محمود سلطانيه). تهران: جامي.
- Boyce, M. (1975). Review: on the Zoroastrian temple cult of fire. *Journal of the American oriental Society*, 95(3), 454-465.
- Niroumand, H., Zain, M.F.M & Jamil, M. (2012). The important role

#### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



#### نحوه ارجاع به اين مقاله

داریوش، بابک؛ اسگارد، آن و منصوری، سیدامیر. (۱۳۹۹). چارتاقي، تداوم تقدس كوه در آيين‌ها، معماری و منظر ايران. منظر، ۱۲(۵۳)، ۶۴-۷۳.



DOI: 10.22034/manzar.2020.238165.2066

URL: [http://www.manzar-sj.com/article\\_115058.html](http://www.manzar-sj.com/article_115058.html)